

زمانیکه تبلیغات فاشیستی در ایران تشدید پیدا کرده و رضاشاه نیز تمایلات خود را به آلمان نازی و ایندولوژی فاشیستی بر ملا ساخته بود پلیمر مثنی رژیم که مسلماً از طرف فاشیستهای آلمان تعلیم گرفته بود به مثنی گاه این گروه دسترس پیدا کردند. بعد از احصاب دانشجویی در دانشکده پلیس - تنگ تهران پلیمر طی پیرش طی ارانی و ۵۲ نفر از بهاران او را دستگیر ساخت. با اینکه ۵ نفر در حبس باز جوش آزاد گشتند و از بقیه نیز که به پای میز معا که دادگاه رضاشاهی کشیده شدند به حبس محکوم گشتند و آن گروه به اسم ۵۳ نفر " در تاریخ سپاس ایران معروف گشتند. بعد ها بزرگ علوی نویسنده نامدار " چندان " و " چشمپایش " کتاب تحت عنوان " ۵۲ نفر " برشته تحریر در آورد که خیلی در ایران خواننده پیدا کرد.

تحقیقات و باز جوش پلیمر ۱۶ ماه طول کشیده و ۴۸ نفر از گروه به پای میز معا که کشیده شدند. در دادگاه اعضای گروه به اتهام تخلف از قانون ضد اشتراکی ۱۹۲۱ و تبلیغات مرام کمونیستی و با سوء انجام همکاری و رابطه با کمونیستها به حبس های طول مدت محکوم شدند. خود دکتر ارانی که در دادگاه شجاعانه از بهاران و مجازین دیگر دفاع کرده و خفقان رژیم ضد مردمی رضاشاه را محکوم ساخت سه ده سال حبس محبوس گشت. در زندان رژیم کوشید به انواع مختلف با ایجاد شرایط بغایت غیر بهداشتی و نقای رطوبی و با دادن شکنجه های سخت بدنی و روانی بهاران ارانی را وادار به تسلیم کندولی آنها اکثر مقاومت کرده و در عوض در زندان با اعضای قدیمی حزب کمونیست ایران محبوسه سید جعفر جوادی زاده (معروف به پیشه روی آشنا شده و از مواضع و نکته نظرات ضد پیکر اطلاع یافتند. دکتر طی ارانی شکنجه های زیادی را تحمل شد ولی هیچوقت تسلیم رژیم نگشت. در اواخر سال ۱۹۲۹ جلازان رژیم که در خاتل شجاعت ارانی خود را ناتوان یافته بودند بالاخره توسط پزشک احمدی معروف به ارانی آمبول " هوا " (بقول سیکر تیلوس) تخریب کردند و بدینوسیله به زندگی پراز سارزه این مارکسیست انقلابی خاتمه دادند.

بعد از اشغال ایران توسط متفقین همانظوری که اشاره رفت بیست و هفت نفر از ۵۲ نفر معروف حزب توده ایران را در پانز ۱۳۲۰ پایه گذاری کردند. در کل اعضای رهبری این حزب را افرادی تشکیل میدادند که با خود ارانی از ارتقا به ایران آمده و بعدا به زندان افتاده بودند. معروفترین آنها عبارت بودند از دکتر مرتضی یزدی (جراح) امیر اسکندری (وکیل) که برادر سلیمان میرزا اسکندری بوده دکتر رنا راد عزرا ز گیلان (استاد هیئت از دانشگاه تهرانی) و نیولیست معروف علی بزرگ علوی. ریاست

رسی این گروه را سلیمان میرزا اسکندری معروف به عهده دانست.

در کنفرانس اربانی که بلافاصله برگزار گردید کمیته مرکزی حزب بود. ایران مرکب از ۱۵ نفر تشکیل یافت. اینان بترتیب عبارت بودند از شترنفر از ۵۲ نفر معروف، دو نفر از روشنفکران، که بتازگی به حزب پیوسته بودند، نورالدین الموتی اقلی دادگستری او عضو حزب دیوکرات قدیم، و چهار نفر از اعضای حزب کمونیست ایران. طی این محضر از بار ماندگان جنبش خیابانی در تهران و سلیمان میرزا اسکندری سیاستمدار کهنسال و از شاهزادگان قاجار، در این کنفرانس جمعاً ۱۴۰ نماینده شرکت کردند که هر یکی تعهد می دادند، در تهران را بعهده دانستند.

حزب توده ایران بلافاصله به فعالیت پرداخته و رفته رفته یکی از قویترین احزاب در ایران تبدیل گشت. در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ارگان رسمی حزب توده روزنامه ساجات بود که عملاً بعنوان مسک روزنامه عدالتی رشد آلمان جهتگیری و به جهت طرفداری از اتحاد حاضر شوروی و تراوش مبارزات مردم استالین گرامین مردم خوانندگان زیادی پیدا کرد. سردبیر این روزنامه عباس اسکندری از خوبان سلیمان میرزا بود. در آغاز سال ۱۹۴۴ امپوس ۱۳۴۰ روزنامه مردم ارگان ضد فاشیستی حزب توده ایران نیز منتشر شد. در این زمان اعضای رهبری حزب عبارت بودند از نورالدین الموتی، امیر اسکندری و دکتر محمد بهرامی. در جریان سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ حزب توده اقدام به استحکام پایه های تشکیل خود کرده و تدریجاً در شهرستانهای ایران نیز پایه گرفت. در این دوره و هم چنین در جهان سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ حزب توده موفق شد که افراد زیادی را به خود جلب کرده و پایه های توده ای احزاب مختلف نیمه-سوسیالیستی را بخود جذب کند. معروفترین این افراد عبارت بودند از فریدون توکل و باران از شیراز، بیرون گنابادی از مشهد و طغی فدائیان از اصفهان.

عمادطور که قبلاً اشاره رفت، پایه های حزب سوسیالیست (شهیدزاده) یا حزب آزادی (حسن ارضانی) و نیمه غیران حزب سوسیالیست (ابوالفضل لویسانی) در سال ۱۳۴۵ به حزب توده ایران پیوستند. در همان سال انتخاب بزرگی در درون حزب حسین زید اللطیفی (ابن فریدون) نیز بوقوع پیوست و شعبات این حزب در رست و کرگان و خراسان به حزب توده ایران پیوستند. حزب توده به حزب ضد فاشیستی و طرفدار اتحاد سوسیالیستی بود. به غیر از پایه های وسیع در بین روشنفکران، این حزب پایه های وسیع در درون کارگران نیز پیدا کرد و در سال ۱۹۴۴ شورای متحد و مرکزی کارگران و زمینگشان ایران توسط حزب توده بوجود آمد که رهبری آن به رضاشاد علیش محول گردید. ارگان این سازمان ظفر بود و طی اهدال این

روزنامه به اسم "بشر" ویژه اتحادیه های کارگری نیز در این سال شروع به نشر کرد *

از روزنامه های دیگر حزب در این زمان باید از روزنامه رهبر

نام برد که عضو حیثیه آزادی بود * حزب توده قانون اساسی ایران را از اول قبول داشته و خواهان

ادرای یک برنامه دموکراتیک ضد فاشیستی بود و از طرح برنامه های سوسیالیستی و بحث روی مسئله

انقلاب سوسیالیستی نیز شانه خالی نکرد * اگر چه این ارگان های حزب را در آن زمان از بدو تشکیل

تا چند ماهی بعد از پایان جنگ جهانی دوم در ۱۳۲۴ مورد تفحص قرار دهم متوجه می شوم که حزب

توده اساساً جامعه ایران را یک جامعه عقب مانده ارزیابی کرده و معتقد بود که توده ها در کل آمادگی

برای پذیرفتن یک برنامه سوسیالیستی انقلابی را ندارند * درست بخاطر این شفاخت نادر و رفرمیستی

اکثر رهبران حزب توده از عوالت مرم کمیونیستی و با از مسائل ملی بحث پیمان می نمودند و در واقع از خواست

های توده های وسیع کارگران در شهرهای بزرگ شفاخت کامل نداشتند *

حزب توده در سیاست خارجی عکس می خورد نبود * دنباله روی شوروی در این دوره از خصوصیات مهم

این حزب بود * در این دنباله روی حتی بعضی مواقع کاسه گرم تر از آتش هم بود مثلاً در جهان ۱۳۲۲

وقتی که در مجلس چهاردهم مسئله نفت به یک مسئله حاد تبدیل گشته بود حزب توده خواهان "اعطای

امتیاز نفت شمال" به شوروی شد * امتیاز حزب توده عملاً خود را با نمایندگان طرفدار آمریکا و انگلیس

که معتقد بودند که امتیازات نفت باید به انگلیس و آمریکا

اطلا گردد در یک ردیف قرار دادند * بدین

وسیله نمایندگان حزب توده در موضع مخالف دکتر مصدق در مجلس چهاردهم قرار گرفتند * در حالیکه

دکتر مصدق در این زمان لایحه مهم اعطای امتیازات به کشورهای خارجی را در مجلس چهاردهم مطرح ساخت

و موفق شد این لایحه را به نفع مردم از مجلس بگذراند * بعد از اینکه این لایحه از مجلس گذشت

شوروی نیز خالصتاً راحت شد و سرگئی کفتارادزه نماینده شوروی که در اوایل پائیز سال ۱۹۴۲ به ایران

آمده بود تا از دادن امتیاز استخراج نفت در صفحات شمال ایران بوسه دولت ایران به نیروهای خارجی

محموساً آمریکا جلوگیری کند، رهسپار شوروی گشت *

این درست است که آن زمان شوروی یک کشور سوسیالیستی انقلابی بود ولی حزب توده ایران با پیشنهادها

"اعطای امتیاز استخراج نفت به شمال" خود را با دیگر نیروهای انقلاب طلب که در ایران برای متفقین

"حقن" و "مقامی" قائل بودند در یک ردیف قرار داد *

بسیار از دنباله روی حزب توده در این دوره به سله ملی و خواسته های طبقاتی مختلف کسم

بنا * داده و بنبر استراتژیکی از حقوق ملت‌خواه‌ها از اعلی حق تعیین سرنوشت ملی دفاع نمیکرد *

زحیری حزب توده * عمدتاً شامل روشنفکران فارس‌زبان میشد * علیرغم اینکه بیشتر موسسین حزب بهرمان
 ملی ایران بودند ولی حزب توده * در حقیقت یک حزب مارکسیست لنینیستی نبود و نمیتوانست محسوب گردد * چنین
 پلانفورم حزب در این زمان فقط * خواسته‌های دموکراتیک و ضد فاشیست اعضای حزب را در بر میگرفت
 و درست بخاطر این ترکیب رهبری و غلبت برنامه سیاسی اش حزب توده * نتوانست مارکسیست‌های قدیم را که
 عمدتاً از دین اقلیت‌های ملی برخاسته بودند به خود جلب کند * شایان توجه است که در رهبری
 حزب توده * هیچ یک از کمونیست‌های قدیم آذربایجان، که اولین سازمان کمونیستی ایران به اسم گریه و
 حزب عدالت را در ماکو در جریان جنگ جهانی اول تشکیل داده بودند، نقش بازی نکردند * اکثر اعضای
 قدیمی حزب کمونیست ایران که نقش فعال در ظهور گسترش جمهوری گیلان در سال ۱۹۲۰ بازی کردند *
 بودند و در جریان مبارزه علیه دیکتاتوری رضاخان قریبانی‌های زیادی داده و بزندان افتاده بودند *
 بعد از برار رضاشاه از ایران * تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند ولی
 همچگونه همکاری با حزب توده * نداشتند * لغت این همانطور که اشاره رفت عدم شناخت رهبری حزب توده
 از مسئله ملی در ایران بود * رهبران حزب توده * به این مسئله که ایران یک کشور کثیرالمله است کم بها
 میدادند و فراموشی این حزب در داخل مسئله ملی
 چهاردهم و در سیر در ارتقای حزب به مسئله ملیت‌ها و جزیره بحرینات سیاسی در تبریز و مهاباد
 تاکنگی برخوردار میکردند در نتیجه نه تنها عدم زیادی از کمونیست‌های غیر فارس را نتوانستند بخود جذب کنند
 بلکه زمانی هم که مجازات در آذربایجان و کردستان علیه ارتجاع مرکزی شروع میشد کرد * رهبران حزب -
 توده نتوانستند نقش مهمی در این جریانات مهم تاریخی بازی کنند *^{۲۱} با تمام این کمبودها و وجود برخی
 تعارضات فرسخت‌طلبانه راست و "چپ" در بین اعضای رهبری * حزب توده * به رشد و گسترش خود ادامه
 داد * تا چون در فصل ششم در بررسی اوضاع سیاسی زمان نخست‌وزیری دکتر صدق به فعالیت حزب
 این حزب که در آن زمان به قهرتین حزب سیاسی با پایه‌های قوی توده‌ای تبدیل شده بود اشاره کنیم
 پرداخت در اینجا به بررسی جریانات در آذربایجان که منجر به استقرار جمهوری خود مختاری در آن
 بخش از کشور گردید، مبردازیم *

فرقه دموکرات و استقرار دولت خود مختاری در آذربایجان

قیلا اشاره رفت که حزب توده ایران * با اینکه بین روشنفکران پایه گرفت و توانست اتحادیه‌های ملی بزرگ

کارگری بوجود آورد. ولی نتوانست در بین روشنفکران غیر فارسی و اقلیت‌های ملی جای پای باز کند و بهین
 همت هم از همکاری اکثر اعضای قدیمی حزب کمونیست ایران محروم گشت. از فعالترین اعضای حزب کمونیست
 ایران که از اول به حزب نود به پیوستند سید جعفر (جواد زاده) پیشه‌وری بود که در این دوره نقش
 بزرگی در جنبش ملی و کمونیستی ایران بازی میکرد * ۲۴

پیشه‌وری در سال ۱۲۶۸ (۱۸۸۸ میلادی) در دهکده معروف شیمستر در نزدیکی تبریز بدنیا آمد
 در اوایل جوانی مثل اکثر جوانان آن منطقه در طلب تحصیل و کسب معاش‌های آذربایجان روسیه تزاری
 شد. بعد از کسب تحصیل در شهر باکو به معلمی استخدام شد. در جریان تدریس پیشه‌وری به فعالیت‌های
 سیاسی روی آورد. و در نتیجه معاشرت با بولشویک‌های طرفدار لنین به مارکسیسم گروید *

پیشه‌وری در سال ۱۹۱۴ در تاسیس حزب همت شرکت کرد و بدینوسیله در سازماندهی سوسیالیست‌ها
 های ایران که مارکسیسم گروید. و به بلشویک‌های طرفدار لنین در ایالات قفقاز پیوسته باکو پیوسته نقش
 مهمی بازی کرد. بعد از انقلاب نوری و سرنگونی تزاریزم در سال ۱۹۱۷. پیشه‌وری و یارانش دست به ایجاد
 کمیته "عدالت" زدند و بعد از پیروزی بلشویک‌ها تحت رهبری لنین در انقلاب اکتبر روسیه. پیشه‌وری
 روزنامه حیث را به دوزبان فارسی و ترکی آذری منتشر کرده و در آن روزنامه به تبلیغ سوسیالیسم و انقلاب
 ملی و طبقاتی در ایران پرداخت. در سال ۱۹۱۹. پیشه‌وری بعد از ترک قازان به دهر اول کمیته
 عدالت در گیلان، به رهبری کمیته عدالت انتخاب شد و بلافاصله به کت‌های این کمیته به جنبش
 جنگلی‌ها برهبری مبارز کوچک خان در گیلان افزود. در سال ۱۹۲۰ زمانی که جنگلی‌ها موفق شدند که
 اولین جمهوری را در گیلان تحت ریاست کوچک خان مستقر سازند پیشه‌وری نیز به عنوان وزیر کشور وارد گیلان
 (کمیته اجرائی) به نگره جمهوری گیلان شد *

پس از شکست جنبش و سقوط جمهوری گیلان. پیشه‌وری به تهران رفته و در شکل و سازماندهی توده‌ای
 اتحادیه‌های کارگری شد رشاخان که در این زمان معرفت دهکانتوری خود را تثبیت سازد. نقش رهبری
 احرا کرد. در جهان سال ۱۹۲۲ این اتحادیه‌های کارگری محفوضا در جنوب در بخش مناطق نفت خیز
 تظاهرات و اعتراضات موفقیت‌آمیز بیشتری را انجام دادند. و پیشه‌وری نقش مهمی در این مبارزات به عهده
 داشت در دوره ای که رشاخان محفوضا بعد از اعلام شاهی خود. به کشتار و سرکوب مخالفین خود
 و نیروهای دموکراتیک. اسلامی و مارکسیستی پرداخته و زمینه را برای گذاردن قانون ضد اشتراکی
 ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) آماده ساخت. پیشه‌وری به مبارزات خود علیه رژیم ادامه داد و بلاخره در سال

۱۳۱۰ همراه دیگر کمیست‌های انقلابی دستگیر و زندان افتاد *

پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) پیشه‌وری به حزب توده ملحق شد و در عوثر با انتشار روزنامه معروف آمر به‌عبارت عظیم فاشیزم از یک طرف و به انتقاد از رهبری حزب توده از طرف دیگر پرداخت. روزنامه آمر با انتشار سلسله مقالاتی تحت عنوان "سرگذشت من" توسط خود پیشه‌وری به احیای سخن تاریخی و گمان‌های جنین مارکسیست در ایران دست زد. در ضمن این سلسله مقالات به‌صورت قابل توجهی جناب‌ات رهیم رضاشاه و زندانی‌های رهیم ضد مردمی رضاخان را افشا ساخت. پیشه‌وری به مبارزات خود علیه حزب توده ایران ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ با درج یک سری مقالات تحت عنوان "آیا در ایران یک حزب واقعی وجود دارد؟" به حملات خود علیه رهبری حزب توده شدت بخشید. در این مقالات پیشه‌وری نتیجه‌گیری کرد که اکثر سازمان‌های سیاسی در ایران آن زمان شرایط یک حزب واقعی و واقعی مردمی را دارا نبودند. در خانه مقالات پیشه‌وری بعد از تشریح شرایط ایجاد یک حزب واقعی مردمی خاطر نشان ساخت که چنانچه در آینده یک حزب واقعی بخواهد بوجود آید باید از مسئله ملت‌ها و از مبارزات مردم علیه ستم‌طلب پستی‌ها بگریزد. تا زمانیکه حزب توده علیه فاشیزم توده‌ها را تسبیح می‌کرد و هدفش جلوگیری از بازگشت فاشیزم بود به عظیم پیشه‌وری می‌توانست یک حزب مردمی باشد. ولی بعد از پایان جنگ و شکست فاشیزم، باید یک حزب میهنی و مردمی از حقوق اقلیت‌های تحت ستم بطور استراتژیک و همه‌جانبه دفاع کند. به نظر پیشه‌وری حزب توده فاقد این کیفیت بود و از مسئله ملت‌ها و امسلس "حق تعیین سرنوشت ملی" پشتیبانی نمی‌بند و تاکنون می‌کرد. ۲۲

بالاخره در تیرماه ۱۳۲۴ (ژوئیه ۱۹۴۵) پس از آنکه اخبار نامه نمایندگی پیشه‌وری بعنوان نماینده نیز از طرف مجلس چهاردهم (که اکثر اعضای آن را طرفداران آمریکا و انگلیس تشکیل می‌دادند) آمد شد پیشه‌وری به پاران نزدیک خود در تهران اطلاع داد که وقت آن رسیده است که سازمان سیاسی جدیدی بوجود آورد زیرا که حزب توده آینده روشنی نخواهد داشت. در همان ماه پیشه‌وری راهی تبریز شد و بلافاصله اقدام به ایجاد فرقه دانشجویان آذربایجان کرد. در مدارک ایجاد این فرقه پاران قدیمی پیشه‌وری مثل دکتر سلام‌الله جاهد نیز بطور فعال شرکت کردند. در این دوره بخش حزب توده تبریز در تیرماه مشغول فعالیت بود. در جریان ماه اوت ۱۹۴۵ (آبان ۱۳۲۴) شورای اتحادیه اصناف تبریز بر رهبری احمد بهرمانه خود از رهبران بخش حزب توده تبریز بوده به پیشه‌وری و پاران نزدیک شدند.

جو سیاس در تبریز و دیگر شهرهای ایران در این زمان شدیداً علیه دولت مرکزی بود و در اعتبارنامه پیشه روی نیز که از طرف اکثریت مردم تبریز انتخاب شده بود به تشدید بیشتر این جوکک گرد • بخش حزب توده در تبریز چون نتوانست از این شرایط انقلابی استفاده کند توده های وسیعی خواهان سازمان سیاسی جدیدی بودند و بخاطر نزولی که حزب توده در رابطه با مسئله طبعاً نشان میداد نتوانست عملاً این توده های سیاسی و ناراضی شهری را بخود جلب کند • در دوازده شهری ۱۳۳۴ پیشه روی و بارانش تا سهمی فرقه دیوکرات آذربایجان را اعلام کردند • بلافاصله حزب برنامه سیاسی خود را که شامل ۱۲ ماده در باره برنامه ها و اهداف خود بود انتشار داد • این پلانفورم خواستار خود مختاری فرهنگی و سیاسی برای مردم آذربایجان و استفاده از ترکی آذری به عنوان زبان رسمی آذربایجان در چهار چوب حاکمیت ملی و تعامل ارضی و استقلال ایران بود • عدا دیگر این پلانفورم شامل اصلاحات دیوکراتیک و حقوقی و تغییرات اساسی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم که در طول سلطنت رضاشاه مورد تبعیض و شتم ملی قرار گرفته بودند، میشد • این برنامه سیاسی خیلی چشمگیر و بزرگی توده های تبه دست و دهقانان بی زمین را بسوی حزب جلب کرد • شورای متحد اتحادیه های کارگری که در تبریز تحت رهبری حزب توده بود به فرقه دیوکرات پیوست و مسلماً در این امر متحد بنیاد در شورای اتحادیه اصناف نقش مهمی را بازی کرد • در نتیجه محبوبیت پیشه روی و پلانفورم حزب بین مردم بخش حزب توده نیز از حزب توده در مرکز بریده و به فرقه پیوست •

در آخر سپتامبر ۱۹۴۵ (اوایل آبانماه ۱۳۳۴) اولین کنگره فرقه در تبریز گشایش یافت • از تمام طبعت ها و اقلیت های ملی که در آذربایجان زندگی میکنند در این کنگره شرکت کردند • این امر از یک طرف جنبه دیوکراتیک این سازمان و از طرف دیگر وسعت پایه های توده ای آن را منعکس میکرد • در این کنگره تصمیم مهمی مبنی بر ایجاد یک ارتش توده ای به اسم فدائیان (فدائیان) گرفته شد که استخوان بند آنرا دهقانان آذربایجان بهرزه دهقانان بی زمین تشکیل میداد • علاوه در این کنگره چگونگی و مرحله تمام و تسخیر قدرت سیاسی در آذربایجان بعد از بحث بصمیم شرکت کنندگان رسید •

در چهار نوا مهر ۱۹۴۵ (هفته آخر ماه آبان) تمام مسلحانه آغاز گشت • فدائیان تحت رهبری فرقه دیوکرات و محمود کنگره حزب اول در شهرهای درجه ۲ با محاصره پادگانهای نظامی و مسلح توده های مردم علیه دولت و ارتش مرکزی توانستند اکثر رهبری پادگانها را مجبور به تسلیم سازند • در این قیام فدائیان دهقان نقش مهمی را در تسخیر اول شهرهای درجه ۲ و سپس شهرهای اردبیل و مراغه بازی

کردند. در جهان يك هفته يادگان تيزيز نیز سقوط كرد. ورهبري آن تسليم فرقه ديوكرات گشتت و فدائيان قدرت نظامي را تحت رهبري فرقه بدست گرفتند.

در جهان نهم و دهم ماه نوامبر ۱۹۴۵ (آبانماه ۱۳۲۴) كنگره تمام خلق آذربايجان در تبريز كشايش يافت. در اين كنگره ۷۴۴ نماينده كه نمايندگي بهشتراز ۱۵۰/۰۰۰ نفر را داشتند شركت جستند. اين كنگره كه به اسم مجلس موسسان جمهوري آذربايجان ناميده شد، در مورد حقوق اساسي مردم آذربايجان به اتفاق آرا طراد زير را تصويب كرد. و براي اطلاع به دولت مركزي در تهران ابلاغ كرد:

۱- حق تعيين سرپوشش ملي توسط مردم آذربايجان، كه داراي طبيعت، زبان و خصوصيات آدائي مخصوص به خود هستند.

۲- حق اعمال خود مختاري ملي بدون به خطر انداختن تماميت ارضي و حاكميت سياسي ايران.

۳- حق پشتمباني و دفاع از ديوكراسي و استقلال ايران از طريق شركت نمايندگان مردم آذربايجان در مجلس شوراي ملي ايران و پرداخت ماليات به دولت مركزي.

۴- حق سازماندهي و اداره امور داخلي در آذربايجان بدون مداخله دولت مركزي با استفاده از برآ ديوكراتيك و خود مختاري در چهارچوب استقلال و تماميت ارضي ايران.

۵- حق انتخاب و ايجاد يك مجلس ايالتي و ايجاد يك دولت ايالتي خود مختار توسط امضاي آن مجلس.

۶- حق استفاده از زبان آذري بعنوان زبان رسمي آذربايجان به منظور توسعه فرهنگ و آموزش در بين مردم آذربايجان.

۷- حق انتخاب و ايجاد كمته اجرائيه ملي ۳۹ نفره جهت فطلي ساختن مصوات كنكره عمومي خلق.

طبق رهنمود اين كنگره، حزب ديوكرات آذربايجان انتخابات عمومي براي ايجاد مجلس ملي را تدارك دهد. در هفته دوم ماه آذر ۱۳۲۴ انتخابات انجام يافت و اكثريت در مجلس ملي بدست امضاي حزب ديوكرات آذربايجان افتاد. و در ۲۱ آذر همان سال (۱۲ دسامبر ۱۹۴۵) وقتيكه جمهوري آذربايجان اعلام شد، مجلس ملي بهر است نظام الدوله رهنمي در همان روز امضاي كابينه دولت را به ترصيب زير مورد تصويب قرار داد:

سید جعفر پیشه روی	نخست وزیر	دکتر اورنگی	وزیر بهداشت
سلام الله جاہد	وزیر کشور	فلام الهامی	وزیر دارایی

وزیر دادگستری	مظها	وزیر امور دفاعی	جواد کاهان
وزیر راه و راهسازی	کبیری	وزیر کشاورزی	دکتر مهرنات
وزیر بازرگانی	رسول	وزیر فرهنگ	محمد میرزا
		رئیس دیوان عالی دادگستری	قبا
		بازرئیس دادستان کل	فریدن ابراهیمی

وزیران و اعضای کابینه (معروف به کابینه ساس) وزارت جنگ

در تحت رهبری ملازم دانشمندان و با کمبود همکاری کاهان و کبیری، قدرت نظامی رژیم جمهوری آذربایجان را چلشها، که اکثر اعضای داوطلبان حزب دموکرات آذربایجان بودند، و فدائیان، که اکثر از دهقانان بودند، تشکیل میداد. در بهمن ماه ۱۳۲۴ قشون ملی موجود آمد. این نیروی نظامی بقدری محبوبیت پیدا کرد که حتی بعضی از افسران نجر آذری از ارتش پویشالی مرکز در تهران بریده و عملاً وارد قشون ملی آذربایجان شدند.

در جهان یکسال حکومت دموکراتها، آذربایجان از نظر اصلاحات اجتماعی و اقتصادی دستخوش تحولات شگرفی شد. دولت پیشه روی بعد از معرفی برنامه اصلاحاتی به مجلس و تصویب آن بلافاصله اقدام به اجرای آنها نمود.

زبان آذری بعنوان زبان رسمی اعلام شد، بانکها ملی گشته و دولت پیشه روی شروع به تقسیم اراضی دولتی بین دهقانان نمود. اصلاحات مهم دیگر عبارت از آموزش اجباری برای تمام کودکان، افتتاح دانشگاه تبریز و ایستگاه مجهز راد پویشیز، برقراری قانون کار، لغو روابط ارباب و رعیت، حمایت از حقوق اقلیت های ملی و مذهبی نجر آذری که در آذربایجان ساکن بودند، و بالاخره احترام به حقوق اجتماعی و سیاسی زنان بودند.

اصلاحات دولت جمهوری آذربایجان محبوبیت قابل ملاحظه برای دولت انقلاب پیشه روی بدست آورد. حتی عناصری که طرفدار دولت جمهوری نبوده و گاهاً نیز دشمنی خود را بروز میدادند تصدیق میکردند که در طول یکسال حکومت دموکراتها آنگاه و حجم اصلاحات عمومی چندین برابر بیشتر از کل اصلاحاتی بود که آذربایجان در طول بیست سال رژیم ضد آذری رضاشاه بخود دیده بود. رشد شهرت و اعتبار جمهوری دموکرات و رابطه آن با مبارزات دیگر ملتهبها در سرطای ایران بهره با جمهوری خلق کرد در مهاسا ده، که در دیماه ۱۳۲۵ (ژانویه ۱۹۴۶) اعلام گشته بود، رنگ خطر برای ارتجاع داخلی و نیروهای خارجی

بهره امریالزم انگلیس و آمریکا بود .

در سال آخر جنگ جهانی دوم شکست آلمان و دیگر سرداران حقدین توازن نیروهای بین‌المللی و آرایش نیروهای داخلی در ایران پدستخوش تغییرات قرار داد . در واقع از زمان خلع و فرار رضاشاه همانطور که قبلاً اشاره رفت تا آغا زمامداری دکتر صدق ایران به صحنه رقابت های خانمانسوز نیروهای بیگانه مخصوصاً بین آمریکا و انگلیس تبدیل گشت . بدون تردید موفقیت سوق‌الجیش ایران بعنوان کشور تولید کننده نفت در این رقابت ها نقش مهمی را داشت . در اینجا شاہان توجه است که آمریکا و انگلیس که دایماً در حال رقابت و مبارزه علیه همدیگر بودند به محض اینکه با خطر استحکام و گسترش جنبش دموکراتیک جمهوری خلق در آذربایجان روبرو گشتند بلافاصله از رقابت دست برداشته و به همکاری پرداختند . جنبش های مسلحانه در آذربایجان و کردستان راسکوب سازند . در زمستان ۱۳۲۴ همکاری های آمریکا و انگلیس بالاخره منجر به روی کار آمدن احمد قوام السلطنه بعنوان نخست وزیر شد . قبل از سرکسار آمدن قوام « کابینه های مرتضی بیات ، محمد صدر و ابراهیم حکیمی عدالتا تحت رهمنمود انگلیس ها مسی کوشیدند که جنبش آذربایجان را بدون کمک آمریکا از بین ببرند و حتی مرتضی بیات در زمان نخست وزیری خود به آذربایجان سفر کرده و با رهبران جنبش همکاری پرداخت . تمام کوشش ارتجاع در جهان ماه های مهر و آبان و آذر سال ۱۳۲۴ به نتیجه نرسید . در دیماه ۱۳۲۴ ابراهیم حکیمی استعفا داد و قوام به نخست وزیری رسید .

قوام السلطنه بلافاصله برنامه خود را که بر از مکر و حيله بود بجزود اجرا گذاشت . در ماه مارس همان سال قوام السلطنه به مسکوفته و در آنجا با شوریهها همکاری پرداخت و طی قرار دادیکه در ماه آبیسل بین ایران و شوروی بسته شد طرفین روی سه مسئله زیرین به موافقت رسیدند :

- ۱- در نهم ماه به سال ۱۹۴۶ روس ها نیروهای خود را از آذربایجان ایران تخلیه کنند
- ۲- با ایجاد یک کمیته مختلط دولتم شوروی و ایران ، اجهاز استخراج نفت در شمال بعد از تصویب در مجلس بانزده به روس ها واگذار گردد .
- ۳- مسئله آذربایجان " بطور مسالمت آمیز حل گردد .

قوام السلطنه بعد از امضای این قرارداد به تهران برگشته و وارد مکره با رهبران جمهوری آذربایجان بجان شد .^{۲۵} در ۱۲ ژوئن ۱۹۴۶ یک قرارداد موافقت بین دولت مرکزی قوام و دولت آذربایجان تحسنت

عنوان قرارداد پانزده ماده ای بسته شد. با اینکه این قرارداد ظاهرًا حقوق فرهنگی مردم آذربایجان را برسمت شناخته و مجلس آذربایجان را به عنوان شورای ایالتی اعلام کرد ولی حمله های قوام بالاخره موثر واقع شده و ارتجاع مواضع مهمی را در این قرارداد کسب کرد. یکی از خطرناکترین بخشهای این قرارداد موافقت مبنی بر ادغام نیروهای فدائی آذربایجان در بخش پانزدهم ارتش دولت مرکزی بود. بعد از امضای این قرارداد رهبری بیشتر به دست دموکراسی کاذب قوام السلطنه را خورده و امید واهی به انتصابات مجلس پانزدهم که دولت قوام داشت تدارک آنرا جدید است.

در اوت ۱۹۴۶ قوام السلطنه در صد ایجاد کابینه ائتلافی در آمده و بدین ترتیب هم نیروهای ملیگرا را فریب داده و هم رهبری جنبش آذربایجان را به همکاریهای بیشتر با دولت مرکزی اجدوار ساخت. کابینه ائتلافی قوام که در اوت ۱۹۴۶ تشکیل گشت شامل سه نفر از حزب توده (اسکندری و نیر - اقتصاد و فریاد کوش و وزیر فرهنگ و محمد یزدی و وزیر بهداشت) یک نفر از حزب ایران نماینده ملیگرایان و مظفر فیروز بعنوان "چپ" مستقل بود. رهبری حزب توده به جهت فرصت طلبی راست غالب در آن حزب تن به ائتلاف داد. ارتجاع بر رهبری قوام قبل از اینکه اعضای حزب توده را بدین کابینه ائتلافی راه دهد از آنها خواست که بهای این ائتلاف را بپردازند. یک ماه قبل از چنان تشکیل کابینه ائتلافی کارگزاران نفت در آبادان در ادامه مبارزات ضد امپریالیستی خود تحت تاثیر مبارزات مردم آذربایجان و کردستان دست به تظاهرات وسیع کارگری زدند این تظاهرات بقدری توده ای و وسیع بود که انگلیس ها از ترس اینکه پالایشگاه آبادان سکن است از طرف کارگران ساداره کردند در عدد بر آمدند که به تهدید جدی^{جمله} نظامی توسل جهند. قوام السلطنه در دوسم هفته تظاهرات رهبری فرصت طلب حزب توده را به آزمایش گذاشت. دکتر رضازاد منشی و رضاروستا رهبری شورای محمده اتحادیه کارگران را به آبادان روانه کرد. در ۱۴ ژوئیه بعد از ده روز تظاهرات رهبران حزب توده در آبادان موفق شدند که رهبری کارگران را وادار به مداراجویی با دولت ارتجاعی قوام سازند. بدین ترتیب تظاهرات قبل از اینکه^{به} خواسته های کارگران جامه عمل بپوشاند به پایان رسید. یک هفته بعد از آن دولت ائتلافی تشکیل شد. بعد از تشکیل دولت ائتلافی قوام السلطنه در زیر ماسک دموکراسی کاذب و با همکاری حزب توده و مظفر فیروز در ژوئن ۱۹۴۶ دست به ایجاد "حزب دموکرات ایران" زد. ^{۲۶} حزب دموکرات قوام یزدی یک حزب قوی در صحنه سیاسی ایران تبدیل گشت. همان طور که قبلاً نیز اشاره رفت در این زمان از

حان تمام احزاب و سازمانهایی که بلافاصله بعد از سرنگونی رضاشاه و در جهان جنگ جهانی دوم و بعد از آن در ایران بوجود آمده بودند تنها حزب که توانسته بود دوام آورده و از بین نرود حزب توده بود. با ایجاد حزب دموکرات ایران برای اولین بار حزب توده رقیب بزرگی را در صحنه سیاسی ایران در مقابل خود میدید. حزب دموکرات در رقابت با حزب توده دست به انتشار روزنامه های مختلفی همچون دموکرات ایران، دبلمات، بهرام برای جوانان و کارگران ایران زد. بنیان حزب دموکرات بجز از خود قوام عبارت از محمد والی فرمانفرمایان، امیرصرت اسکندری و ابوالقاسم امینی (سر دبیر روزنامه اصد) بودند. قبلا در مجلس چهاردهم در فراکسیون آزادی "فعالیت میکردند ز معتقد به تجارت و بهبود روابط بازرگانی با شوروی بودند."

هدف حکومت ائتلافی قوام و ایجاد "حزب دموکرات ایران" در واقع خلع سلاح توده های مبارز و برای سرکوب جنبش های رهائی بخش در آذربایجان و کردستان بود. قوام و پارانش با کمک و رهتوب های انگلیس و آمریکا موفق شدند که با زدن نقاب دموکراسی و ادعای ایجاد روابطه حسنه با اتحاد جماهیر شوروی نیروهای استقلال طلب و بهره بخش بزرگی از رهبری فرقه دموکرات آذربایجان را غیب دادند و ابتکار عمل سیاسی را از دست آنها بگیرند. با استحکام پایه های "حزب دموکرات ایران" و وحدت تمام نیروهای انقصاد طلب و قواچو دارد سته اش حملات خود را به نیروهای دموکراتیک آغاز کردند.

در شهریور ۱۳۴۵، بخشی از اهلالت تشکاتی و بختیاری در جنوب (بوئزده در فارس) تحت لوای "خود - منتاری" علیه دولت قوام طغیان کرده و خواهان انحلال دولت ائتلافی شدند. قوام با دست آویز فرار دادن طغیان اهلالت دولت ائتلافی را طغی ساخته و به تیر و خفگان توسل جست. در اکتبر همان سال دولت قوام با شرکت فقط اعضای حزب کابینه خود را تشکیل داد. این دولت بلافاصله علیه تظاهرات کارگران در جنوب دست به حملات زد و سپس تحت لوای "اجرای انتخایات عمومی سرتا - سری" برای ایجاد مجلس پانزدهم تدارک حطه به آذربایجان را در دستور کار قرارداد.

آمدگی ارتجاع تحت رهبری "حزب دموکرات" قوام از یک طرف و جنبش بزرگی از رهبری فرقه از طرف دیگر شرایط را برای سرکوب جنبش آذربایجان مهیا کرد. ارتش در بهشت تک آذر ۱۳۴۵ تحت رهبری شاه بسیه بهمانه "اجرای انتخایات قاسونیس سرتا سری" به آذربایجان حطه کرد. از همان اول جنبش از رهبری فرقه دموکرات از مبارزه دست کشیده و راهی شوروی شدند بخش دیگر چون عظمیا و غهدون ابراهیمی در جهان مبارزه گشته و با اعدام گشتند.

قتل عام دموکراتها و اعدام شخصیت‌ها چندین ماه ادامه یافت. کتابها و نشریات که بزبان آذری بودند طبعه آتش‌قرار گرفتند. تدریس زبان آذری در مدارس و استفاده از آن در ادارات ممنوع اعلام شد. و کتابها درین رادیو نیز به تهران منتقل گشت اصلاحات اجتماعی توقف کرد و ماه‌ها نیروهای ارتجاعی به قلع و قمع دموکرات‌ها ادامه دادند. ۲۷

جمهوری خلق آذربایجان که از پشتیبانی توده‌های وسیع در سرنا سر آذربایجان بهره‌مند بود و در عرض یکسال اصلاحات مهمی را در زمینه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اجرا کرده و از اجتناب سیاسی مهمی برخوردار بود چرا شکست خورد؟ علت زیادی باعث شکست این جنبش گشت. ما در اینجا به عوامل این شکست به ترتیب اهمیت آنها اشاره میکنیم:

۱- رهبری فرقه دموکرات بهره‌بخش از آن که مرتضی با تهران در تماس بوده با دولت قوام در حال مذاکره بود فریب دموکراسی کاذب قوام و دارو دسته اش را خورد.

۲- زمانی هم که رهبری متوجه اشتباه خود گشته و تصمیم به طاووت گرفت اختلاف نظر و بالاخره انشعاب در درون رهبری حزب دموکرات آذربایجان گل جنبش را ضعیف ساخته و آنرا از ابتکار عمل انقلابی محروم ساخت.

۳- وحدت آمریکا و انگلیس برای سرکوب جنبش و سرنگونی جمهوری باعث وحدت طرفداران این دو قدرت در صحنه سیاسی ایران گشته و آرایش نیروها نیز در رابطه با جنبش آذربایجان مورد تحول قرار گرفت. این امر با ایجاد و گسترش ارتگانیها و پایه‌های حزب دموکرات ایران بخود شکل گرفته و مستقیم گشت. ۴- حزب توده که قویترین حزب از نظر بسیج کارگران و روشنفکران در آن زمان محسوب میشد در مقابل جنبش آذربایجان ابتکار از خود نشان نداد و به مسئله طبعها و جنبش آذربایجان عمدتاً برخسورد تاکتیکی کرده و در آخر نیز به جهت دنباله روی از شوروی در واقع به یک حربه پاسو تبدیل گشت و عملاً کمکی در جهت بقای جنبش از خود نشان نداد. در اول فریب وعده و وعده قوام را خورده و سپس در مقابل دیکتاتوری قوام به بیعملی دچار گشت.

۵- اتحاد جماهیر شوروی که از جنگ جهانی پیروزی ولس ضعیف در آمده بود در مقابل تهدیدات جدی ولس غیر مستقیم آمریکا از دادن کمک نظامی به جمهوری آذربایجان امتناع ورزید. تهدید بزهت ترومن در رابطه با بمباران اتنی بخش از آذربایجان ایران استالین و بارانشر را متقاعد ساخت که امر را بزرگوار

محیظه سلاح و بمب اتنی، به بهانه حل مسئله آذربایجان قصد دارد که با تخریب و انفجار معادن و ذخایر نفتی شوروی واقع در باکو و دیگر شهر های نفت خیز قفقاز، اتحاد جماهیر شوروی را نیز بشکل کشورهای اروپای غربی تدریجاً وابسته به آمریکا، این امپریالیزم نو برخاسته در صحنه جهانی، سازد.

۶- نیروهای ملی گرا و دیگر نیروهای صحن پرست نیز آنطور که باید از ماهیت و خصلت دموکراتیک جنبش آذربایجان درک درست پیدا نکردند و این امر باعث شد که نهفت آزادبخش مردم ایران از وحدت و یکپارچگی در مقابل نیروهای بیگانه و ارتجاع داخلی، که تحت " حزب دموکرات ایران " برهبری قوام اتحاد کرده بودند، محروم گردد.

ارتجاع داخلی و نیروهای خارجی بهره آمریکا و انگلیس چون از مقابله با جنبش آزادبخش سرتاسری در ایران عاجز شده بودند با اتحاد خود این جنبش سرتاسری را دوشقه کرده و با پورش به آذربایجان بخش جنبش مسلحانه این نهفت را سرکوب کردند و خواهیم دید که چگونه با توطئه دوم خود در بهشت و هشت مرداد ۱۳۳۲ نهفت ملی ایران را موقتاً هم که شده سرکوب کرده و دیکتاتوری شد مردمی شاه را بر ایران حاکم ساختند.

ایران بعد از شکست جنبش آذربایجان تا سرکار آمدن دولت دکتر صدق

بعد از شکست جنبش آذربایجان، قوام الملطنه به استحکام بیشتر پایه های ارتجعی خود پرداخت.

حزب دموکرات ایران تحت رهبری قوام برای انتخابات مجلس پانزدهم به فعالیت افتاد. فعالیت برای انتخابات مجلس پانزدهم، که از مدتها پیش شروع شده بود، در ژانویه سال ۱۹۴۷ بطور رسمی آغاز گشت. در این انتخابات حزب دموکرات اکثر صدلی ها را اشغال کرد و در ژوئیه ۱۹۴۷ بطور رسمی مجلس گشایش یافت. علیرغم خلفان، طلب و ایجاد جو ارتعاب ۲۵ صدلی در مجلس پانزدهم را طرفداران دکتر صدق اشغال کردند.

در مجلس پانزدهم، قرارداد مربوط به کمپانی مشترک ایران - شوروی، که به روسها حق امتیاز استخراج نفت در شمال ایران را اعطا میکرد، با ۱۰۲ رای مخالف و ۲ رای موافق نمایندگان حزب توده در مجلس پانزدهم آرد شد. این قرارداد در تضاد با قانون دسامبر ۱۹۴۴ مجلس چهاردهم بود که اعطا هر نوع امتیاز به کشور های خارجی را عدم میکرد. (اکتبر ۱۹۴۷)

علیرغم این، بهرزی نسبی که نصیب ملیون استقلال طلب گشت ملی در ست بهمن خاطر نیز بود که انگلستان

و آمریکا دوباره رقابت‌های خود را در ایران شروع کردند. انگلستان که حالا از جهان جنبش
آذربایجان فراغت کامل حاصل کرده بود از توسعه نفوذ آمریکا به وحشت افتاد.

تا قبل از نخست‌وزیری قوام، اکثر نخست‌وزیران ایران (مثل محمد ساعد، مراه‌ای و ابراهیم حکیم) نتوانستند
سیاست انگلستان بوده و در واقع در اتحاد با دربار از منافع انگلیس‌ها در ایران حفاظت میکردند. ولی
در جهان رشد جنبش آذربایجان، همانطور که قبلاً اشاره رفت، انگلیس‌ها در وحدت با آمریکا به نخست
وزیری قوام رضایت دادند تا ارتجاع ایران بتواند جنبش خلق را سرکوب سازد. در دوران نخست‌وزیری قوام
امریکائی‌ها بتدریج انگلیس‌ها را از مواضعیکه در ایران اخذ کرده بودند عقب‌رانند. انگلیس‌ها وقتی متوجه
شدند که امریکائی‌ها دارند امتیازات زیادی از طریق قوام در امور بازرگانی و سیاسی کسب
میکند در صدر آمدند که دولت قوام را پس‌زده و گامی به امپریالیسم انگلیس‌ها را سرکار آورد. ۲۸
مخالفت‌های داخلی بین قوام و دربار از یک طرف و مبارزات ملی‌مصلحتی از سرسپردگان دربار
ایران که به استانداری آذربایجان منصوب شده بود و به شدت علیه قوام فعالیت میکرد، از طرف دیگر
باعث شد که دولت قوام تدریجاً تضعیف گردد. بسیاری از نمایندگان مجلس‌ها نیز هم و مطبوعات
که طرفدار دربار و انگلستان بودند علیه قوام موضع‌گرفته و خواستار استعفای او شدند. حتی در حزب
دموکرات‌گانه به اشعاب‌کنشیده و گروه بزرگی بسرکردگی افرادی چون حکمت رئیس‌مجلس به مخالفت با
قوام برخاستند.

در نتیجه در دسامبر ۱۹۴۷، قوام السلطنه که نتوانسته بود در مجلس‌های اعتماد بگیرد، از نخست
وزیری برکنار شد و ابراهیم حکیم که وابسته به انگلیس بود و قوام در سال ۱۹۴۶ بجای او منصوب شده
بود، دوباره نخست‌وزیر شد. جایجا شدن پست نخست‌وزیری به نفع انگلیس سیاست توسعه طلبانه
آمریکا را در ایران متوقف ساخت ولی حکیم اساساً انگلیس‌پس بود و امریکائی‌ها فردی را میخواستند که
در سمت در خدمت اهداف توسعه طلبانه آنها باشد. ۹ در نتیجه در ژوئن ۱۹۴۸ حکیم در مقابل
مشکلات اقتصادی و مبارزات سیاسی و فشار طرفداران آمریکا مجبور به استعفا گشته و جای
خود را به هنر داد. در زمان هنر نیز جنبش‌های دموکراتیک مورد حمله قرار گرفته و مواضع آمریکا
در ایران محکم تر گشت. ۳۰ ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ به اصطلاح کت به کشورهای
عقب‌مانده را تحت عنوان معروف "اصل چهار ترومن" مطرح کرد. هدف این سیاست افزایش سرمایه
گذاردن آمریکا در کشورهای منور، بدست آوردن بازارهای جدید فروش برای محصولات امریکائی و پایگاه

استراتژی نظامی، تضعیف و محدود ساختن نفوذ انگلیس در خاورمیانه و دیگر کشورهای اسلامی بود.^{۴۶}

بازتاب این سیاست در ایران انعقاد قراردادی بود که بالاخره آمریکا و ایران در اکتبر سال ۱۹۰۵ درباره توسعه فعالیت "اصل چهار ترویس" امضاء کردند. طبق این قرار داد آمریکا حق پیدا کرد که در تمام شئون زندگی ویژه به بخشهای کشاورزی، بهداشتی و فرهنگی ایران نیز "کک های فنی" نماید

رفایت خاناسوز آمریکا و انگلیس در این دوره (از ۱۹۰۸ تا ۱۹۵۰) شدید ترکشت و بخش های مختلفی از طبقات حاکمه بطور روز افزونی بزر نفوذ نیروهای امپریالیستی کشیده شدند. وابستگی هر چه بیشتر شدت خفقان و ترور را در ایران طعمه نیروهای دیوکراتیک بیشتر کرد. در فوریه ۱۹۴۹ | ۱۵ بهمن ۱۳۲۷) منظور سرکوب بیشتر سازمانهای اپوزیسیون و دیوکراتیک سو^{۴۷} قصد تحریک آمیزی نسبت به قسا

ترتیب داده شد در جریان مراسم روز دانشگاه، شخصی به اسم ناصر فخرانی بموی شاه شلیک کرد. فخرانی در همانجا توسط عامل خود رژیم بمجموع ترین وضعی بقتل رسید.^{۴۸} بعد از رژیم ادعا کرد که فخرانی هم برای روزنامه برجیم اسلام ارگان مجاهدین اسلام و هم برای حزب بود. کار میگردد است. بدین بهانه دولت محمد ساعد که در نوامبر ۱۹۴۸ جای گابینه هنر را گرفته بود حکومت نظامی اعلام کرده و آهسته آهسته کاشانی را به لیسان تبعید کرد و بعد از آن دهها روزنامه و مجلات مترقی را توقیف کرده و حزب بود ایران را نیز بزر قانونی اعلام نمود.^{۴۹}

همزمان با تشدید خفقان در دوره حکومت نظامی طریحان بطور تحکیم بیشتر خود اقدامات دیگری نیز کرده و دوباره در قانون اساسی ایران دست برد. مجلس مؤسسان قلابی در آوریل ۱۹۴۹ حق مداخله شاه را در امور سلطنتی وسیعتر کرد و به او حق انحلال مجلس داده شد. ارتجاع از ترس اینکه مردم ایران ممکن است در انتخابات مجلس شانزدهم موفق شود که نمایندگان واقعی خود را به مجلس روانه سازد. به شاه این حق را داد. علاوه مجلس سنا نیز برای اولین بار بوجود آمد. مجلس سنا به لایحه طرفداران آمریکا و انگلیس در آمده و برای مخالفت علیه مجلس در آینده تدارک دهد. طبق آئین نامه سنا از ۶۰ نفر نمایندگین سنا باید ۳۰ نفر منتخب شاه و ۳۰ نفر دیگر منتخب مردم باشند. ولی در واقع محدودیت های زیادی اکثر قریب به اتفاق مردم را از حق دادن رای برای انتخابات مجلس سنا محروم ساخت.^{۵۰}

طیبرم تشدید خفقان و از دیهاد قدرت استبدادی شاه نیروهای دیوکراتیک و شخصیت های مین بر است از مبارزه در راه استقرار ایران مستقل و آزاد باز میماندند و در صفحات آینده خواهیم دید که چگونه

مبارزات خلق بویژه در ۱۳۳۹ بلاخره منجر به روی کار آمدن دکتر صدق در ۱۳۳۰ شد *

در پائیز ۱۳۳۸ در شرایط تورم و حفظان انتخابات مجلس شانزدهم آغازگشت * دکتر صدق * کسه

سابقه مبارزات ملی و استقلال طلبانه اش طیف نیروهای استعمارگر خارجی و استبداد شاه به دوران مجلس

چهارم در سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵ هجری * در این زمان بخاطر فعالیت های بی ادبش طیف نفوذ

خارجی ها بویژه در مجلس چهاردهم به عنوان يك دولت مرد ضد استعمار و ملی در صحنه سیاسی ایران

معروفیت پیدا کرده بود * در جریان فعالیت برای انتخابات مجلس شانزدهم * دکتر صدق بابت نفوذ

از طرف دارانش طیف انتخابات قلابی در دربار بست نشیند *^{۲۴} دو سال قبل دکتر صدق به همراهی بعضی

از رهبران " حزب مردم " و " حزب وحدت " (پائیز سال ۱۳۳۶) طیف انتخابات قلابی مجلس شانزدهم

در دربار تحمیل کرده بود * در پائیز ۱۳۳۸ دکتر صدق و همرا هانش خاطر نشان ساختند که برای اینکه

انتخابات در محیط آزاد و امن برگزار گردد مبارزات طیف مسئولین بویژه وزیر دربار هنر تا آخرین نفس

ادامه خواهند داد * این گروه در آبان ۱۳۳۸ در جریان فعالیت سیاسی در خانه دکتر صدق گرد هم

آمده در يك پانزدهم سیاسی خواستار اجرای (۱) انتخابات آزاد (۲) آزادی بیان و آزادی مطبوعات

و (۳) لغو حکومت نظامی گشتند *^{۲۵} زور و تقلب مخصوصاً در تهران بوسیله عمال دربار تحت رهبری هنر

بفردی روشن و زنده بود که دولت مجبور شد در مقابل خشم مردم و مبارزات خستگی ناپذیر مصدق

عقب نشینی کرده و انتخابات را لغو و اعلام انتخابات مجدد نماید * در همین ماه هنر وزیر دربار توسط

عدالتیان اسلام تیر شد و انتخابات تهران عملاً لغو گردید * در انتخابات بعدی که در فروردین ۱۹۵۰ انجام

پذیرفت * توده های وسیعی از مردم به دکتر صدق و بارانش که عدالتی از اعضای فعال جنبه ملی بودند

رای دادند * نمایندگان جنبه ملی در این موقع که به مجلس شانزدهم انتخاب شدند عبارت بودند از

دکتر صدق * محمود بهمان * عبدالقدیر آزاد * حسن مکی * حسین شایگان * بقائی * حائری زاده * و

ابوالقاسم کاشانی * آیتالله کاشانی که بعد از جریان (۱۵ بهمن ۱۳۳۷) سقصد طیف شاه * به لبنان

صعود شده بود * از طرف حزب مجاهدین اسلام به مجلس شانزدهم انتخاب شد *

با اوج گیری مبارزات مردم تحت رهبری جنبه ملی تفضاد و مشلات در دوران هیئت حاکمه نیز تشدید

پیدا کرد * چون توده های مردم که دوباره سوق شده بودند بطور نسبی آزادی پیدا کنند نمایندگان

واقعی خود را برای مجلس شانزدهم روانه میکردند * این امر نتیجه خود به بحران در دوران ارتجاع حاکم

دامن میزد. بدین جهت در اردیبهشت ۱۳۲۹ ساعد از پست نخست وزیری استعفا داد و طی دستور کسه از میوه های آمریکائی در درون هیئت حاکمه بود سرکار آمد این دولت نیز نتوانست جلو مبارزات ملی روز انزوی مردم را بگیرد و در یوشن همان سال بعد از افتتاح مجلس شانزدهم استعفا داد و جای خود را بیکی از عمال انگلستان سرلنکر طی رزم آرا داد.

بار با افتتاح مجلس شانزدهم سرکار آمدن رزم آرا عاریزه در ایران بین نیروهای اتحاد طلب برهبری در رزم آرا و استقلال طلبان برهبری صدق در مجلس شدت یافت. بلافاصله بعد از افتتاح رسمی مجلس در ماه یوشن دکتر صدق پشهادی منس بر لغو قانون منته ۱۹۴۹ که به شاه حق انحلال مجلس را عداد به مجلس ارائه داد. این پشهاد از طرف اکثریت رد شد. در تابستان ۱۹۵۰ دولت مجلس رزم آرا مجلس خواست که در مورد قرار داد معروف گس-گلشائیان که بین ایران و کمیونس نفت ایران انگلیس بسته شده بود تجدید نظر کرده و رای موافق دهد. این قرار داد نتیجه مذاکراتی بود که دولت ایران در سال ۱۹۴۸ با انگلیس کرده و در واقع جدید معاد قرار داد ۱۹۲۲ بود که در زمان رضاشاه بر مردم ایران تحمیل شده بود. طبق قرار داد گس-گلشائیان قرار بود که برای هر تن نفت به عوض ۴ شیلینگ به ایران پرداخت شود. این قرار داد بقدری تعمیلی و استعجالی بود که حتی مجلس شانزدهم که اکثریت بزرگی از نمایندگان طرفدار آمریکا و انگلیس بودند به جهت ترس از مبارزات ضد انگلیس مردم برهبری صدق آن را تصویب نکرد. رزم آرا با تجدید قوا خواست از طریق ایجاد رعب و خفقان شدید این دفعه اینس قرار داد ضد ملی را به تصویب مجلس شانزدهم برساند. دکتر صدق به کمک طرفدارانش در مجلس پشهاد کرد که کمیسیون مخصوص جهت رسیدگی به قرار داد گس-گلشائیان تشکیل شود. این کمیسیون ریاست خود دکتر صدق در پانزدهم همان سال تشکیل یافته و در ماه نوامبر بعد از تحقق و بررسی گزارش منس بر رد قرار داد گس-گلشائیان به مجلس ارائه داد. بعد از دو ماه بحث و شور و مجلس شانزدهم هم به خاطر مبارزات خستگی ناپذیر صدق و پارانش در داخل مجلس و از ترس مبارزات وسیع نموده ای در خارج مجلس در زانویه ۱۹۵۱ (آذر ۱۳۲۹) پشهاد کمیسیون نفت را تصویب کرده و قرار گس-گلشائیان را رد کرد.

در ماه خانی آذر تا اسفند جنبه ملی در بازار و دانشگاه و در بین کسبه و علمای مذهبی و به خاطر مبارزات ملی صدق از محبوبیت بزرگی برخوردار بود. در این مدت دکتر صدق چندین بار جهت سخنرانی

برای سردم در مقابل مجلس حضور یافته و به توده ها توسل جست تا در سرنوشت تاسیخی خود نقش بزرگی را بعهده گیرند. در نتیجه اوج گیری مبارزات مردم، مجلس شورای ملی از کمیسیون نفت خواست که به مسئله نفت رسیدگی کرده و راه حلی را ارائه دهد. کمیسیون بعد از شورت و بحث کابی بلافاصله تحت رهبری صدق پیشنهاد ملی شدن صنایع نفت را به مجلس داد. روز آرا بشدت علیه این پیشنهاد موضع گرفته و اعلام کرد که مردم ایران قادر نیستند که بخود عکس شده و بدون کمک خارجیا مخصوصا انگلیس نفت را استخراج کرده و بفروش برسانند. تظاهرات مردم ایران به پشتیبانی از لایحه ملی شدن صنعت نفت و بر علیه دولت رژیم آرا در ماه فوریه ۱۹۵۱ (بهمن ۱۳۲۹) اوج گرفت. فدائیان اسلام که بر رهبری نواب صفوی در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) تشکیل یافته بود و در این زمان پایه های نسبتا وسیعی در بازار و بین کسبه مردم پیدا کرده بودند، اقدام به ترور رژیم آرا گرفتند.^{۲۸}

بعد از ترور رژیم آرا توسط خلیل ظهاسبی^{۳۹} در اوایل مارس ۱۹۵۱، حسین علاء وزیر دربار نخست وزیری رسید. مبارزات توده ای در راه ملی شدن صنایع نفت در ماه مارس (اسفند) سرتا سرگشت. مجلسین بالاخره تحت فشار توده های استقلال طلب به لایحه دکتر صدق جنی بر ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور رای موافق داد و روز بیست و نهم اسفند (۱۳۲۹) روز ملی شدن صنعت نفت اعلام گردید. ارتجاع و دربار در مقابل مبارزات رهائی بخش مردم عقب نشینی کرد. حسین علاء استعفا داد و مجلس شانزدهم به نخست وزیری دکتر صدق درسام آرویل (۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۰) رای داد و بدین وسیله برای اولین بار در ایران بعد از مدت ها يك دولت ملی و مردمی تحت رهبری دکتر صدق و جبهه ملی سرکار آمد.



